مطالعه و معرفی جام/ طاس «باطل السحر» موجود در گنجینهٔ تاریخ مؤسسه فرهنگی موزه‌های بنیاد

اسدالله جودکی عزیزی[1]
دانش‌آموختهٔ دکتری باستان‌شناسی دوران اسلامی
مؤسسهٔ فرهنگی موزه‌های بنیاد

1. As1977joodakiazizi@gmail.com

چکیده

رخدادهایی که در پیرامون نوع بشر اتفاق می‌افتادند، دو دسته بودند؛ یا بر زندگی وی اثر مثبت داشتند یا حیات او را به‌صورت منفی تحت تأثیر قرار می‌دادند. انسان‌ها معمولاً اتفاقات میمون و خجسته را به عوامل خیر و وقایع بدشگون و ناگوار را به نیروهای شر نسبت می‌دادند. اصرار پیوسته بر این امور، به باور انجامید. علاوه بر این آرزوی بشر در غیب‌گویی و پیشگویی وقایع، خواسته‌ای همیشگی بود. از این روی، بشر همواره در تلاشی پایدار، با استمداد از نیروهای خیر و با استفاده از ابزارهای گوناگون به غیب‌گویی، پیشگویی و دفع نیروهای شر یا دست کم، کاستن از اثرات ناگوار دسیسه آنها می‌پرداخت. ساختن جام‌های جهان‌بین و کاسه‌دعاها که در سده‌های متأخر دوران اسلامی با نام «طاس/ جام چهل‌کلید» یا «طاس/ جام باطل السحر» شناخته شدند، بخشی از آن تلاش‌ها بود. نمونه‌ای از این طاس‌ها در بخش خزانهٔ تاریخ «مؤسسهٔ فرهنگی موزه‌های بنیاد مستضعفان» نگهداری می‌شود؛ علی‌رغم برخورداری از ارزش‌های هنری ویژه، جز تهیهٔ پرونده کارشناسی، در پژوهشی جامع، مطالعه و معرفی نشده است. ازاین‌روی، در ارتباط با ویژگی‌های ساختاری و زمان ساخت آن پرسش‌های جدی وجود دارد. پژوهش حاضر با مطالعهٔ عینی و اسنادی به‌گردآوری داده‌های مرتبط با این طاس پرداخته و با بهره‌گیری از دو رهیافتِ تاریخی و سنت‌گرایی، آن داده‌ها را تفسیر و تحلیل کرده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که این اثر در آغاز حکمرانی شاه سلیمان صفوی (حک: ۱۱۳۹-۱۰۷۹ ه.ق.) و در سال ۱۰۸۰ هجری قمری ساخته شده است. ویژگی‌های ساختاری و آرایه‌های اثر، آن را در گونه‌ای از این جام‌ها طبقه‌بندی می‌کند که در اواخر دورهٔ صفوی ساخته شدند. اندازه‌ای متوسط دارد و از آلیاژ برنج ساخته شده است. دارای کف پایه‌ای مقعر، بدنه‌ای محدب و لبهٔ تخت با تمایل به بیرون است. در نگارش کتیبه‌ها به‌طور عمده از خط ثلثِ خوش بهره‌گرفته شده و در کتابت شعائر مذهبی، از خط نستعلیق با پهنای بیشتر استفاده شده است. صور دوازده‌گانهٔ فلکی منطقه‌البروج مهمترین آرایش میانی ظرف در بدنهٔ بیرونی را شکل می‌دهند؛ این آرایه‌ها در متنی از نقوش اسلیمی به اجرا درآمده‌اند. مردم دفع چشم‌زخم، باطل کردن سحر، جادو و طلسم، طالع‌بینی، پیشگویی، غیب‌گویی، شفابخشی، دفع نفوس بد و ارواح شریر از زن زائو یا به‌اصطلاح پیشگیری از چله افتادن زن زائو، جلوگیری از چله افتادن نوزاد، چله‌بری و بچه‌دار شدن زن نازا، بخت‌گشایی برای دختران، طلب خوشبختی برای زنان و به‌طور

کلی هرگونه گشایش و بستگی در روزی و اقبال را در این گونه ظروف جستجو می کردند. استفاده از آن به‌این ترتیب بود که دعای نوشته شده بر کاغذ را در آب درون آن حل می کردند و به مشتری می‌خوراندند یا در حمام با این ظروف، چهل بار بر سر و روی زن زائو، نوزاد، دختران و زنان سترون آب می‌ریختند.
واژگان کلیدی: جام باطل السحر، چهل کلید، فلزکاری دوران اسلامی، دورهٔ صفوی، منطقه‌البروج.

مقدمه

در عموم جوامع کهن و دوران تاریخی مختلف، در کنار عامل «خیر»، عامل «شر» نیز وجود داشته است؛ پدیده‌های طبیعی و انسانی موافق و مفید به عامل خیر و موارد مخاطره‌آمیز، آسیب‌رسان و مضر به عامل شر نسبت داده می‌شدند. از سویی دیگر ترس از شر و پرهیز از خطر، غریزه‌ای بود که پیوسته نوع بشر را در مواجه با پدیده‌های طبیعی و انسانی به واکنش‌های جدی وا داشته است. از گذشته‌های دور با استمداد از عوامل خیر، به مدیریت یا دفع شر و عواقب آن می‌پرداختند. گرایش فطری انسان به ربط دادن با وجه و بی‌وجه برخی از پدیده‌ها به عوامل گاه نادیدنی و موهوم، نگرانی خودساخته‌ای را فرار روی وی نهاد. اصرار بی‌انکار نسل‌های متمادی بر برخی از آن علل و معلول‌ها، به باور درآمد. آنچه باور شد، طریقهٔ مواجه با آن نیز صورتی از دغدغه یافت. از این روی، نوع انسان کوشید، به‌شیوه‌های گوناگون علت‌ها و بازخورد آن‌ها را مدیریت کند. ازجملهٔ این نگرانی‌های گاه اغراق‌آمیز، چشم‌زخم است. از نمونه‌های موهوم و غیر واقعی نیز می‌توان به طلسم، طالع‌بینی، پیشگویی، شفابخشی، سحر و جادو اشاره کرد. بستن «تعویذها»، همراه داشتن سنگ عقیق، نصب نعل اسب بر درگاه ورودی[۱]، قفل‌های طلسمی[۲]، چشم جادویی[۳]، «چشمارو[۴]»، «باباغوری/ قوری[۵]»، «کُچک[۶]» و ظروف فلزی که با نام‌هایی چون «طاس یا جام چهل کلید/ چهل بسم‌الله/چهل دعا» و جام «باطل السحر» شناخته می‌شوند (بنگرید به: افضل طوسی و سنجی، ۱۳۹۳: ۸۶-۸۲)، شایع‌ترین شیوه‌های اطمینان بخش به انسان در برخورد با آن تصورات و وقایع است. تلاش انسان در این وادی، زمانی که با هنرمندی خلاق و ماهر و کارفرما یا سفارش‌دهنده‌ای خوش ذوق با توان مالی مناسب همراه می‌شد، به‌خلق اثری با جنبه‌های هنری قابل توجه می‌انجامید. از این دسته می‌توان به جام‌ها یا طاس‌های چهل‌کلید و باطل السحر

۱. عده‌ای بر این باور بوده‌اند که چنانچه نعل فلزی اسب در بالاترین نقطه ورودی آویزان شود، شانس را گرفته و نگه می‌دارد و اگر وارونه آویزان شود، ضمن آنکه بدشانسی می‌آورد، شانس را نیز فراری می‌دهد (افضل طوسی و سنجی، ۱۳۹۳: ۸۳).

۲. به‌شکل‌های رایج و گاه تزیینی، به‌تأثیر از شکل اصلی قفل ساخته می‌شدند و بیشترین کاربرد آنها، انتقال نوعی ایمنی و اتکا به صاحب قفل و دورداشتن آن از چشم بدخواهان است (همان: ۸۴).

۳. این باور در مدیترانه و خاورمیانه وجود داشت که وجود طلسمی به‌شکل چشم، چشم شیطان را دور می‌کند یا نگاه‌های بد با مقاصد پلید را منحرف می‌سازد؛ به‌همین دلیل اغلب از شیشه، شیء به‌شکل چشم واقعی می‌ساختند که به آن چشم جادوئی گفته می‌شود (همان: ۸۵).

۴. آنرا چشم‌آروی، چشم‌آور و چشم‌پنام نیز می‌گفتند؛ به‌طور کلی به هرچیزی که برای دفع چشم‌زخم کاربرد داشته باشد، گفته می‌شود. در برخی از شهرها و روستاهای خراسان در معنای اخص، کوزهٔ سفالینی است که بر روی آن چشم و صورت آدمی به زیبایی کشیده می‌شد و آنرا با پارچه‌های رنگین می‌آراستند. در آن سکه سیاه و سفید به قصد دفع چشم‌زخم از اهالی خانه یا اموال و املاک، می‌ریختند و در چهارشنبه سوری از بالای بام به کوچه پرتاب می‌کردند و عابرین منتظر، سکه‌هایش را برمی‌داشتند. هنگام شکستن، چنین نیت می‌کردند که چشم بد همانند این کوزه درهم شکسته باد (همانجا).

۵. نوعی مهرهٔ مدور سیاه و سفید را گویند که به‌شکل چشم گوسفند مرده است؛ برای دفع چشم‌زخم به کودکان می‌آویزند؛ به‌اصطلاح نوعی کوارتز نهان بلور است که با عقیق تفاوت دارد و به سنگ سلیمانی نیز معروف است. همچنین به‌نوعی از کوری که در اثر آن چشم آماسیده و به‌رنگ چشم گوسفند مرده در می‌آید نیز اطلاق می‌گردد (همانجا).

۶. نوعی از صدف که آنرا برای دفع چشم‌زخم روی بسیاری از بافته‌ها همچون خورجین، کیسه جل و زنجیری می‌دوزند (همانجا).

اشاره کرد، که هم‌اینک نمونه‌های سده‌های متأخر اسلامی‌شان، ازجملهٔ آثار فلزی ارزشمند به‌شمار می‌آیند. در بخش خزانهٔ تاریخ مؤسسهٔ فرهنگی موزه‌های بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی ایران، چند نمونه از این گونه ظروف وجود دارد که یکی از آنها از نظر جنبه‌های زیبایی‌شناختی و هنری از بقیه شاخص‌تر است. علی‌رغم تهیهٔ پروندهٔ کارشناسی برای آن اثر، پژوهش جامعی در ارتباط با آن صورت نگرفته است؛ از این روی، نوشتار پیش‌رو می کوشد، ضمن بازنگری در گاهنگاری، کارکرد و ویژگی‌های ساختاری و آرایشی آن را نیز به‌صورت فراگیر بررسی نماید.

داده‌های این پژوهش با بررسی عینی اثر و مطالعات اسنادی (کتابخانه‌ای) گردآوری شده‌اند. این تحقیق از حیث ماهیت، بنیادی است و در رویکرد، تفسیر و تحلیل داده‌ها از دو رهیافت «تاریخی» و «سنت‌گرایی» بهره گرفته است. پرسش‌های پژوهش یکی دورهٔ تاریخی ساخت اثر را مورد توجه قرار می‌دهد و دیگری ویژگی‌های ساختاری و آرایشی آن را.

پیشینهٔ پژوهش

در ارتباط با ابزار و اشیای طلسمی و باطل السحر تاریخی پژوهش‌های گوناگونی صورت گرفته است. به‌طور مشخص کاسه‌های کتیبه‌دار اواخر دورهٔ ساسانی که با این مقصود ساخته می‌شدند، مورد توجه پژوهشگران قرار گرفتند و در مورد درونمایهٔ کتیبه‌ها، نگاره‌ها و دورهٔ تاریخی آنها پژوهش‌های درخوری صورت گرفته است (Isabell,1975; Yamauchi, 1967 & 1983; Nave & Shaked, 1987; Gyselen,1995; Hunter,2000; Levene,2002; Shaked,2002; Martinez Borobio, 2003; Faraj & Moriggi, 2005; Shaked &Et All 2013; Moriggi, 2014). فکری‌پور و همکاران، در مطالعه بازتاب اعتقاد و باور به سحر و جادو در کاسه‌دعاها و مهرهای سحرآمیز میان‌رودان و خوزستان در اواخر دورهٔ ساسانی، ضمن اشاره به درونمایهٔ کتیبه‌ها، زبان و خط نگارش و تصاویر موجود در کف برخی از آنها، تداوم این رسم را در دوران اسلامی با ساخت کاسه‌های معروف به باطل سحر از جنس فلز، محرز دانسته‌اند (۱۳۹۶). کاسه‌های باطل سحر دوران اسلامی که بعضاً با صورتی از جام یا طاس چهل کلید نیز ظاهر شده‌اند، نیز کمتر به‌صورت تک‌نگاری و عمدتاً در بخشی از یک پژوهش معرفی و مطالعه شده‌اند؛ شهری‌باف که فرهنگ عامه را در تهران قدیم بررسی کرده است، در تعریف جام چهل کلید چنین آورده که جامی برنجی کنده‌کاری شده‌ای از آیات قرآن است که چهل کلیدمانند بسته‌شده بر مفتول به‌کنارش آویزان شده‌اند؛ برای سلامتی، حفظ از خطر و چشم‌زخم به‌کار می‌رفته‌اند. ریختن آب از کاسه چهل‌کلید بر سر نوزاد و بر روی زن زائو را وی نیز آورده است (شهری‌باف۳، ۱۳۸۳: ۱۶۵و۱۶۶). شهری‌باف، افزوده است که

حمام‌ها جای انواع سحر و جادو، سفیدی و سیاهی و گشایش‌هایی مانند بخت‌گشایی و کارگشایی و بستگی‌هایی مانند زبان‌بندی و مردبندی و تحبیب و تفریق و جلب و دفع بود که به‌وسیله جام‌های باطل سحر و چهل‌کلید و دیگر طلسمات به‌عمل می‌آمد (همان۱، ۱۳۸۳: ۵۳۳و۵۳۴). برای گشایش کار و بخت، آب جام چهل‌کلید را چهل بار بر سر می‌ریختند (همان۴، ۵۱۸و۵۱۹). شمس، در بررسی فولکور و تاریخ کردستان آورده است که در برخی از مناطق مرگ افراد بلافاصله پس از تولد نوزاد بدشگون بود؛ برای رفع این مشکل، زائو و بچه‌اش را بلند کرده و نوزاد را با ظرف مخصوصی که جام چهل کلید نام داشت، می‌شستند، برای این منظور چهل بار آب داخل ظرف را بر روی کودک می‌ریختند تا بدیمنی دفع شود (۱۳۹۳ :۱۱۸). افضل طوسی و سنجی، در بررسی آرایه‌ها و نگاره‌های مرتبط با چشم‌زخم در دستبافته‌های اقوام ایرانی، نمونه‌ای از این آثار را که در موزۀ «مردم‌شناسی آستان قدس رضوی» نگهداری می‌شود، معرفی کرده‌اند؛ پیشینۀ آنها را به‌سدۀ هفتم هجری نسبت داده‌اند، آنها را در زمرۀ کهنترین ابزارهای طلسمی به‌شمار آورده‌اند و به‌جغرافیای پراکندۀ این آثار که ایران، سوریه، عراق و مصر دانسته شده، اشاره کرده‌اند. ایشان ضمن پرداختن به جنس فلز پایۀ اثر، درونمایۀ کتیبه‌های آن را که آیاتی از قرآن مجید، نام دوازده معصوم و دعای نادعلی را تضمین می‌کنند، نیز آورده‌اند. همچنین نگاره‌های دوازده صورت فلکی را نیز مورد توجه قرار داده‌اند (۱۳۹۴: ۸۴). شریعت‌زاده آنها را کاسۀ کوچک برنجین یا مسینی دانسته که به آن چهل قطعه فلزی کلیدمانند آویخته است و از آنها همچون طلسم و تعویذ برای دفع شر و بلا، باطل کردن سحر و جادو و در امان ماندن از چشم‌زخم، استفاده می‌کردند. وی کهنترین جام‌های چهل‌کلید را به‌دورۀ صفوی یعنی سده‌های دهم و یازدهم هجری قمری نسبت داده است؛ ویژگی عمومی آنها را دارا بودن کتیبه‌هایی به خط ثلث و نستعلیق با درونمایۀ آیاتی از قرآن و شعر و نقوشی همچون بروج دوازده‌گانۀ صور فلکی دانسته است (۱۳۷۱: ۷۹و۵۱۷). تناولی، جام‌های چهل‌کلید را از جمله کهنترین ابزارهای طلسمی دانسته که برخی از آنها به‌سدۀ هفتم هجری قمری تعلق دارند (۱۳۸۷: ۸۰). ساریخانی در پژوهشی تحلیلی که جلوه‌های آیات قرآنی بر آثار فلزی ایران دورۀ صفوی و قاجار را با تأکید بر آثار «موزۀ ملی ایران»، مورد توجه قرار داده و یکی از نمونه جام‌های چهل‌کلید متعلق به‌سدۀ یازدهم هجری را نیز بررسی کرده است؛ این پژوهشگر پیشینۀ این نوع جام‌ها را که جنبۀ شفابخشی، تفأل، طالع‌بینی و رفع بلایا دارند، به دورۀ صفوی نسبت می‌دهد. وی محل ساخت این نمونه را خراسان دانسته و مضمون کتیبه‌های آن را آیات قرآنی، اسامی چهارده معصوم، دعا و صلوات بر ائمه ذکر کرده و همچنین به تصاویر، نمادهای انسانی و حیوانی و اسفنکس با ماهیت احتمالاً نجومی اشاره کرده است. این پژوهشگر اعداد و حروفی را بررسی کرده که در بدنه بیرونی نقر

شده‌اند و آنها را سحرآمیز و جزو طلسم‌هایی دانسته که طالع‌بینان به اسرار آن آگاهی داشته‌اند؛ نوشیدن آب از آن یا ریختن آب بر سر برای دفع بلا و نیروهای شر، وجه استفادهٔ اثر گفته شده است (۱۳۹۲: ۱۶۰و۱۶۱). ساریخانی و هاشمی زرج‌آبادی، در پژوهشی کتیبه‌نگاری آیت‌الکرسی را در آثار هنری ایران بررسی و ضمن اشارهٔ مجدد به مورد پیشین، نمونه‌ای دیگر را در همان موزه معرفی کردند؛ مورد اخیر نیز متعلق به سدهٔ یازدهم هجری است و کتیبه‌های آن تقریباً همان مضمونی دارند که نمونهٔ پیشین داشت (۱۳۹۳: ۷۷). احسانی به‌نمونه‌ای از این جام‌ها در موزه «ویکتوریا- آلبرت» اشاره کرده و آن را به‌دورهٔ صفویه نسبت داده است. وی به وجود چهل قطعه اشاره کرده که همان چهل کلید معروف است. این کلیدها روی لبهٔ جام، گره خورده‌اند و سطح بیرونی لبه به نام چهارده معصوم(ع) مسطور است (۱۳۶۸: ۲۲۵). بلوکباشی در پژوهشی مردم‌نگارانه، استفاده از این جام‌ها را «چله‌بری» از زن نازا، پیشگیری از افتادن چله بر نوزاد و نیز دور کردن شر جن و جادو و ارواح پلید دانسته است؛ برای بچه دار شدن زن نازا، بر سر او در حمام با این کاسه چهل بار آب چله می‌ریختند همچنین برای جلوگیری از گرفتاری زن زائو در چله، به مدت ده روز به‌نیت چله‌بری آب جام را بر سر و روی او می‌ریختند (۱۳۵۶: ۶۶و۶۷). شکورزاده نیز آورده است که در خراسان و برخی از نقاط ایران برای دفع نفوس بد و ارواح شریر از زائو، پس از خوراندن روغن، چهل عدد ریگ، چهل عدد نخود خام، چهل عدد دانهٔ اسپند و چیزهای دیگر را در ظرفی پر از آب می‌ریختند، سپس جام چهل‌کلید را سه بار در آن فرو برده و بر چادری که بر بالای سر زائو نگاه داشته بودند، می‌ریختند (۱۳۶۳: ۱۴۱). همچنین محمدی با گردآوری نتایج برخی از پژوهش‌های مرتبط با جام چهل‌کلید، ضمن توضیح این جام، موارد و شیوه‌های استفاده از آن را نیز برشمرده است (۱۳۹۸).

کاسه/ جام/ طاس باطل السحر

در تعداد قابل توجهی از کاسه‌ها یا جام‌هایی که با این قصد طراحی و ساخته شده‌اند، در بخشی از لبه یا پنجه‌ای که در کف داخلی آنها نصب است، تعداد قابل توجهی صفحه فلزی کوچکِ عموماً مستطیل‌شکل که لبه‌های آنها پخ شده، گره زده شده است. در مواردی نیز این صفحه‌ها شکلی از کلید را نشان می‌دهند. عموماً کتیبه‌ای بر آنها منقور است که متضمن عبارت «بسم‌الله» است؛ به‌همین دلیل به این گونه ظروف که قریب به‌اتفاق طرح و ساختاری شبیه به کاسه دارند، «کاسه/ جام یا طاس چهل کلید یا چهل بسم‌الله» گفته می‌شود. سنایی غزنوی در نکوهشِ خواستن بیش از توان و سرنوشت، در بیانی استعاری، با انتقاد از چنین استمدادهایی برای ازدیاد روزی، چنین آورد:

«چه سود از آرزو چون نیست روزی　　دهش ماند دهش جز یافه مشناس
یکی بین آرمیـده در غـــنا غـــرق　　یکــی پویان و سرگشتــه ز افلاس
بــدور طاس کس نتـــوان رسیدن　　توان دور فلک پیمــودن از طاس
ترا ندهند هرچ از بهـــر تــو نیست　　بهر کار این سخن را دار مقیاس»
(سنایی، ۱۳۸۱: ۱۸۲)

سلیم تهرانی، شاعر سده‌های دهم و یازدهم هجری، در اشاراتی تشبیهی، نام نمونه‌ای از آنها را «طاس چهل/ چل کلید» در دو بیت ضبط کرده است:

«زبرگ بید که درآب ریخت باد خزان　　حباب یاد ز طاس چهل کلید دهد»
(سلیم تهرانی، ۱۳۴۹: ۲۱۰)

«ز بس انگشت کز دریا پدید است　　صدف گفتی که طاس چل کلید است»
(همان: ۵۷۱)

از آنجا که در بررسی نسبتاً دقیق شهری‌باف، دو جام باطل السحر و چهل‌کلید از هم تفکیک شده و دو ظرف مستقل از هم با عملکرد تقریباً مشابه آمده‌اند (۱، ۱۳۸۳ :۵۳۳) و در نمونهٔ مورد مطالعه در این پژوهش، نه کلیدی دیده می‌شود و نه محلی برای آویختن کلید، نگارنده با استناد به ابیات سلیم تهرانی و همچنین تحقیق شهری‌باف، آنرا «طاس باطل السحر» می‌نامد. البته باید درنظر داشت که آلمانی، مورخ و سیاح فرانسوی در اواخر سدهٔ نوزدهم و اوایل سدهٔ بیستم، نمونهٔ کلیددار این ظروف و غیر آن را تحت عنوان «جام سحری» آورده است (بنگرید به: آلمانی، ۱۳۳۵: ۳۵۴تا ۳۵۶ و ۱۰۳۸). دارندهٔ این طاس‌ها یا درواقع کسی که بر این نوع طاس‌ها دعا می‌نویسد یا می‌خواند و تفسیر می‌کند، را «طاس‌بین» یا «طاس‌گردان» می‌گویند (بلاغی، ۱۳۸۶: ۳۳۴). در ادامه و پیش از پرداختن به نمونهٔ مؤسسه، تاریخچهٔ این نوع ظروف می‌آید.

همان‌گونه که پیش‌تر آمد نوع بشر پیوسته در اندیشهٔ کسب نیرویی فراطبیعی بود تا بتواند با کمک آن بر تمامی نیروهای طبیعی و غیرطبیعی چیره شود؛ یکی از کهنترین ابزارهایی که در اساطیر کهن ایرانی این قدرت را به دارنده‌اش داد، جام منسوب به جمشید، پادشاه پیشدادی ایرانی، است. پس از او کیخسرو، پادشاه کیانی، نیز صاحب جامی شد، درست با همان قدرت ماورایی. جام نخست، به «جام

جم[1]» معروف گشت و مورد پسین، «جام جهان‌بین[2]» نام گرفت. مُعین جام جم را با قید احتمال، افزودهٔ منابع ادبی در سدهٔ ششم هجری به‌بعد دانسته است؛ چون شهرت جم بیش از کیخسرو بود، مسلمانان او را با سلیمان، پیامبر بنی‌اسرائیل، یکی دانسته‌اند و چون در روایات، پیدایش شراب را نیز به او منتسب کرده‌اند، جام کیخسرو را جام جم یا جام جمشید خواندند (معین، ۱۳۶۴: ۳۴۸). آیدنلو، این دو جام را مستقل از هم دانسته و با استناد به منابع ادبی پیش از سدهٔ ششم هجری در اثبات ادعای خویش کوشیده است (۱۳۹۸: ۳۳-۲۸). اما ویژگی بصری این جام‌ها داشتن صور فلکی و صورتی از انجم و کواکب بود؛ دارنده‌اش می‌توانست آینده را پیش‌گوید، از نادیدنی‌ها باخبر شود و رخدادهای دور از نظر را ببیند!

آنجا که بیژن، از پهلوانان زمان کیخسرو کیانی و نوهٔ دختری رستم، ناپدید شده بود، پدرش «گیو» به‌دربار کیخسرو شتافت و از پادشاه استمداد طلبید؛ کیخسرو نیز با کمک جام گیتی‌نما، وی را دریافت:

«چو نوروز فرخ فرازآمدش — بدان جام فرخ نیاز آمدش
بیامد پرأُمید دل پهلوان — ز بهر پسر کوز گشته نوان
چو خسرو رخ گیو پژمرده دید — دلش را به درد اندر آزرده دید
بیامد بپوشید رومی‌قبای — بدان تا بود پیش یزدان به پای
خروشید پیش جهان‌آفرین — به رخشنده بر چند کرد آفرین
ز فریادگر زور و فریاد خواست — از آهَرمَنِ بدکُنش داد خواست
خرامان از آنجا بیامد به گاه — به سر برنهاد آن خجسته کلاه
یکی جام بر کف نهاده نبید — بدوی اندرون هفت کشور پدید
نشان و نگار سپهر بلند — همه کرده پیدا چه و چون و چند
ز ماهی به جام اندرون تا بره — نگاریده پیکر همه یکسره
چو کیوان و بهرام و هرمزد و شیر — چو ناهید و تیر از بَر و ماه زیر
همه بودنی‌ها بدوی اندرا — بدید جهاندار افسونگرا

۱. جام‌های افسانه‌ای زمانی پیش از کیخسرو در دست کیکاووس نیز بوده است. پس از ایشان جام طهماسبی وجود داشته است و نیز در برخی از منابع ادبی به جام اسکندر اشاره کرده‌اند؛ جام دارا/ داراب، جام انوشیروان و جام خسروپرویز نیز شهرتی داشته‌اند (بنگرید به: آیدنلو، ۱۳۹۶). برای کسب اطلاعات بیشتر رجوع کنید به: (همان: ۱۳۹۸).

۲. اسکندر مقدونی این قدرت را از آیینهٔ خود می‌گرفت:

«سلیمانرا نگین بود و ترا دین — سکندر داشت آیینه تو آین
ندیده آنچه می‌بینی تو ز ایام — سکندر زآینه کیخسرو از جام» (نظامی، ۱۹۶۰: ۴۲)

همچنین در پژوهش مبسوطی که امیدسالار با استناد به منابع دست اول در ارتباط با تفأل یا پیشگویی با ابزار و شیوه‌های گوناگون، در ایران پیش از اسلام و دوران اسلامی، انجام داد، می‌توان به اطلاعات مهمی در این زمینه دست یافت (بنگرید به: تارنمای شماره۱).

نگه کرد و پس جام بنهاد پیش — بدید اندرو بودنی‌ها ز بیش
به هر هفت کشور همی بنگرید — که یابد ز بیژن نشانی پدید
سوی کشور گرگساران رسید — به فرمان یزدان مرو را بدید
در آن چاه بسته به بند گران — به سختی همی مرگ جُست اندر آن»
(فردوسی، ۱۳۷۱: ۳۴۵و۳۴۶)

مُعین، «جام گیتی‌نمای» کیخسرو را از دیدگاه نویسندگان «خداینامک» پهلوی که شاهنامه نیز از آن برگرفته شده است، جامی دانسته که صور نجومی، سیارات و هفت کشور (هفت اقلیم) زمین بر آن نقش بسته بودند؛ این جام خاصیتی اسرارآمیز داشته است، و رخدادهایی که حتی در نقاط دوردست نیز اتفاق می‌افتاد بر آن منعکس می‌شدند[1] (۱۳۶۴: ۳۴۷).

در پیش از اسلام و پس از آن با آگاهی از پیشینۀ آن جام‌های نیرومند و دانستن پاره‌ای از ویژگی‌های آن، کسانی برانگیخته شدند که آن توانایی‌ها را احیا کرده و به دست آورند؛ جام‌های سفالینی ساخته شدند که درواقع سیمایی کاریکاتوری از آن‌چیزی بود که اساطیر نشان می‌دهند. افرادی که پیوسته در اندیشۀ رفع ضعف‌های بشری خود بودند، با این تصور که دارندگان این جام‌ها به قدرت‌های مافوق بشری دست یافته‌اند، پیرامون‌شان را فرامی گرفتند.

در اواخر دورۀ ساسانی و تقریباً در سراسر قلمرو حکومت آن‌ها، دسته‌ای از ظروف سفالین که عمدتاً شکل کاسه دارند، ساخته شدند. این کاسه‌ها به‌منظور ایمن‌داشتن صاحبان‌شان از ارواح پلید و نیروهای شر ساخته شده‌اند؛ سطح داخلی آنها، مسطور به خطوطی است که به دست جادوگران محلی و کاتبان کتابت شده است. سفارش‌دهنده‌گان این سطور افرادی بودند که امید داشتند از شر مشکلات‌شان رهایی یابند (فکری‌پور، شریفیان و حیدرپور، ۱۳۹۶: ۸۰). درون‌مایۀ نوشتار آن ظروف که به «کاسه‌دعا» یا «کاسه‌های جادویی» معروف شده‌اند، ادعیۀ دفع نیروهای شر، طلب شفا، برکت و خوش یمنی یا تحصیل محبت کسی بوده است (همان: ۸۱). بستن و زنجیر کردن دیوان یا دفع آنها به‌همراه اسامی

۱. با فراگیر شدن دین اسلام حضرت سلیمان نبی(ع) با جمشید یکی دانسته شد (معین، ۱۳۶۴: ۳۴۷)؛ درست با همان قدرت ماورایی در تسخیر جن و انس و پیشگویی وقایع (همان: ۳۵۰). فارس را مسلمانان تخت‌گاه سلیمان می‌دانستند و پادشاهان فارس را قائم‌مقام وی و آنان را وارث ملک سلیمان می‌خواندند، آن‌چنان‌که آرامگاه کورش را مشهدِ مادر سلیمان نامیدند (همانجا). احتمالاً به‌همین دلیل است که ساخت آثار باشکوه و خارق‌العاده را در پیش از اسلام به جمشید نسبت می‌داند و پس از اسلام به سلیمان نبی(ع). مهمترین شواهدش در تاریخ معماری ایرانی، تخت جمشید در نزدیکی مرودشت و نام‌جای‌های دیگری چون «تخت سلیمان» است. در دوران اسلامی، گاه جام نیرومند جایش را به انگشتری داد و از این زمان به‌بعد «خاتم/ نگین/ انگشتری سلیمانی» است که قدرت فراطبیعی را نشان می‌دهد. با این حال، برخی از منابع همچنان به «جام سلیمان» اشاره می‌کنند (همان: ۳۵۰).

دیوان و شیاطین ادیان مختلف، به‌طور معمول در متن نوشتاری این آثار دیده می‌شود (همان: ۸۲و۸۳). نگارش متن از گودترین قسمت ظروف شروع و با اقتضای بلندای متن به بدنۀ میانی و فوقانی به‌صورت دَوّار ادامه یافته است؛ در مواردی، بخشی از متن به بدنۀ بیرونی نیز منتقل شده است. در کف میانی برخی از این ظروف تصویر به‌زنجیر کشیده شدۀ دیوی دیده می‌شود که در متن، نکوهش شده یا دورباد آن تمنّا شده است (همان: ۸۳). این کاسه‌ها عمدتاً به زبان آرامی یهودی نوشته شده‌اند. زبان پرکاربرد دیگر، «مندایی[1]» است که به خط مندایی یا عبری کتابت شده است. بر تعدادی از این آثار، خط و زبان سریانی و در مواردی خط پهلوی کتابی نیز دیده می‌شود (همان: ۸۳).

با فراگیر شدن دین اسلام و تأکید بر آموزه‌های دینی که رجوع به این امور را پیوسته نکوهش می‌کرد، این نوع ظروف با عملکرد پیشین به‌مدت چند سده فراموش شدند؛ اما متن آنها تلخیص شده و با صورتی از دعا و «شبه جمله» که دیگر مضمون و مفهوم پیشین را نداشتند، از سدۀ دوم تا آغاز سدۀ پنجم هجری، به زبان عربی و خط کوفی ادامه یافت؛ «البرکه و العز و السعاده» (قوچانی، ۱۳۶۴: ۱۲۲)؛ «برکه و یمن و سرور» (همان: ۳۰و۱۸۶)؛ «برکه لصاحبه» (همان: ۳۲، ۱۲۶ و ۱۹۲)؛ «برکه و نعمه لصاحبه» (همان: ۴۴و۱۷۴)؛ «برکه و یمن و سرور و سعاده» (همان: ۴۶)؛ «برکه و یمن لصاحب الطبق[2]» (همان: ۹۴)؛ «البرکه» (همان: ۵۴و۶۸) و «الیمن» (همان: ۲۰۶) از آن جمله است. همچنین متن‌های ریزنقش با مضامین سحرآمیز و طلسمی پیشین در این دوره با جملات قصار و امثال الحکمی چون «الحر بر[3]» (همان: ۱۴۲)؛ «الحرص علامه الفقر[4]» (همان: ۲۲، ۵۶، ۹۰و۱۶۲)؛ «العلم زین للفتی و العقل تاج من ذهب[5]» (همان:۴۲) و «الوفا عزیز[6]» (همان:۱۷۸) و احادیث بزرگان دین همچون پیامبر گرامی اسلام(ص): «من کثر کلامه کثر سقطه[7]» (همان: ۸۴)؛ «الطاعم الشاکر بمنزله الصائم الصابر[8]» (همان: ۵۸) و حضرت علی(ع): «الحر حر و ان مسه الضر[9]» (همان: ۲۲، ۶۲، ۱۲۰،

---

۱. یکی از دو گروه اصلی پیرو «صابئان»/ «صابئین» هستند که زمانی در بخش‌هایی از بین‌النهرین و جنوب شرقی ایران زندگی می‌کردند و امروزه در خوزستان ایران سکنا یافته‌اند؛ نخستین پیغمبر ایشان حضرت آدم(ع) و آخرین آنها حضرت یحیی بن زکریا(ع) یا «یهیا»/ «یوهانا» به زبان مندایی است. دارای خط و زبان و کتب مقدس مخصوص به خود هستند (بنگرید به: عربستانی، ۱۳۹۸: ۳۳و۳۴).
۲. برکت و خوشبختی از آنِ صاحب بشقاب باد.
۳. آزادمرد نیکوکار است.
۴. حرص نشانۀ تهی دستی است.
۱. دانش زینتی است برای جوانمرد و خرد تاجی است از طلا.
۲. وفا کردن ارجمند است.
۳. کسی که گفتارش بسیار باشد خطایش افزون گردد.
۴. آنکه می‌خورد و سپاسگزاری می‌کند، همچون کسی است که روزه‌دار شکیباست.
۵. هرکه صبر کرد توانایی یافت؛ هرکه قناعت کرد توانایی یافت.

۱۴۶، ۲۰۲ و ۲۳۸)؛ «من صبر قدر من قدن قدر[۱]» (همان: ۳۶)؛ «اشرف الغنی ترک المنی[۲]» (همان: ۶۰) و «یقال قد خاطر من استغنی برایه[۳]» (همان: ۶۶)، با واژگان درشت و گاه کشیده، جایگزین شدند.

در سده‌های میانهٔ دوران اسلامی نخستین شواهد از حضور مجدد کاسه‌دعاها یا باطل السحرها آشکار شد؛ از دورهٔ اتابکان زنگی شام (حک: ۵۷۷-۵۴۱ ه.ق.) کاسه‌ای شناسایی شده که سطح بیرون و درون آن مسطور از ادعیه و آیات قرآنی است و مضمون آنها گره‌گشایی از امور با استمداد از خداوند است. این ظرف که به‌سفارش سلطان نورالدین محمود زنگی، ملک‌العادل (حک: ۵۶۹-۵۴۱ ه.ق.)، که نامش به‌طور واضح بر بدنه و درست در زیر لبهٔ بیرونی دیده می‌شود، در سال ۵۶۵ هجری ساخته شده است (بنگرید به: Al- Sale,2014: 109; Porter,Saif and Savage-Smith, 2017: 547). در سده‌های متأخر و به‌طور مشخص با قدرت یافتن صفویان (حک: ۱۱۳۵-۹۰۷ ه.ق.)، نمونه‌های زیادی از این ظروف ساخته شده و پس از آن نیز همچنان رواج داشته‌اند. استمداد از خداوند با تضمین آیاتی از قرآن مجید و ذکر اسماءالحسنی و توسل به بزرگان دین، در گره‌گشایی از مشکلات، افزودن روزی، دفع شر و جلب محبت، شایع‌ترین درونمایهٔ این دسته از آثار است.

قراین تاریخی و گزارش‌های سیاحان به‌روشنی میزان گرایش به داشتن این ظروف و ابزار را در دورهٔ صفویه نشان می‌دهد؛ غیب‌گویی، طالع‌بینی، پیش‌گویی و جستجوی برخی از آنها در گردش کواکب باعث شد که در بدنهٔ بیرونی یا درونی آنها صورت‌های فلکی دوازده‌گانهٔ منطقه‌البروج و در مواردی «هفت فلک» یا «هفت‌سیاره[۴]»ای که در جهان باستان شناخته شده بودند (بنگرید به: شفا، ۱۳۸۳: ۵۷؛ گریمال، بی‌تا: ۵۷۴، ۸۱۶و۸۱۷؛ پوپ و آکرمن، ۱۳۸۷: ۱۳۳۶شکل. الف) نیز نقش بندد. شاردن، سیاح فرانسوی، که در فاصلهٔ سال‌های حکومت شاه عباس دوم و شاه سلیمان صفوی[۵] به ایران آمد، آورده است که در ایران کسی را ندیدم که تعویذ و طلسم با خود همراه نداشته باشد؛ بعضی از مردم چندین دعا و تعویذ بر بازو و گردن خود می‌بندند یا می‌آویزند. حتی برای در امان نگاه‌داشتن چهارپایان و پرندگان خود از چشم‌زخم، به گردن یا قفس آنها نیز تعویذ می‌بندند. به‌طور کلی اعتقاد عموم بر این است که تعویذ، باطل السحر و سپر بلاهاست و آن را بر همه‌چیز و همه‌کس می‌آویزند (شاردن، ۱۳۷۴: ۱۰۳۵).

---

۶. آزادمرد همیشه آزاد است؛ هرچند که دچار سختی شود.
۷. والاترین توانگری، از آرزوها و آمال‌های خویش گذشتن است.
۸. هرکه خود را از مشورت با دیگران بی‌نیاز بیند، به راستی که خود را در خطر افکنده است.
۹. ترتیب سیارگان چنین بود: ۱–ماه، ۲–عطارد یا تیر، ۳–ناهید یا زهره، ۴–خورشید (در جهان باستان خورشید یکی از سیارگان به‌شمار می‌آمد)، ۵–بهرام یا مریخ، ۶–برجیس یا مشتری ۷–کیوان یا زحل (بنگرید به: شاه نعمت‌الله ولی، ۱۳۹۱: ۵۶۶).
۱. یعنی در فاصله سال‌های ۱۰۷۶تا۱۰۸۲ هجری در یک مرحله و مرتبه دوم در حدفاصل سال‌های ۱۰۸۴ تا ۱۰۸۸ هجری قمری، از ایران بازدید کرد.

گزارش شاردن از متن تعویذها که مشتمل بر چند آیه از قرآن، احادیث پیغمبر(ص) یا امامان(علیهم السلام) و به‌طور مشخص آیه‌های ۵۱و۵۲ سوره مبارکهٔ «قلم» یعنی آیهٔ «وان یکاد...» است (بنگرید به: همانجا)، همانی تقریبی و نسبت تاریخی آنها را با آنچه به‌صورت عمومی در هیأت کاسه‌های باطل السحر و چهل کلید در این دوره فراگیر شد، می‌توان دید.

همانگونه که در پیشینهٔ پژوهش نیز آمد، فلز اصلی‌ای که این جام‌ها از آن ساخته می‌شدند، آلیاژ برنج[۱] است. دلیل استفاده از آن را می‌توان در استدلال آلمانی، از این گونه جام‌ها دریافت[۲]. ترور افراد از راه مسموم کردن آنها امری شایع بود و در منابع تاریخی بسیار به آن اشاره شده است؛ مسموم کردن آب در این موارد، رسم معمول بود. آلمانی چنین آورده است که چون در قرون وسطی این نوع جام‌ها اهمیت زیادی داشتند، صنعتگران در آن زمان مؤفق به کشف آلیاژی شدند که سموم مهلک و مخصوصاً «آرسنیک» را که مکرراً استعمال می‌شد، معلوم و آشکار می‌کرد؛ در آن زمان اگر قصد ترور کسی را می‌کردند، معمولاً به او آرسنیک می‌خوراندند، خاصیت این جام‌ها این بود که اگر مایع آرسنیک‌دار را در آن می‌ریختند، بلافاصله گرد سفیدی در روی مایع تولید می‌شد و نشان می‌داد که در این مایع آرسنیک حل شده و مسموم است (آلمانی، ۱۳۳۵: ۳۵۴و۳۵۵). اگرچه این استدلال ممکن است از جهت علمی چندان کارگر نباشد، از نظر عرفی می‌توانست دست‌آویزی محکم و توجیهی مناسب برای دریافت دستمزدهای گزاف از دارندگان این ظروف در هنگام ساخت باشد و تحمیل هزینهٔ مضاعف بر دریافت‌کنندهٔ خدمات را هموار کند. چون این ظروف برای استفاده‌ها و منظورهای خاصی که پیش‌تر از آن گذشتیم به‌کار می‌رفت، بدیهی است که مشتری در مواقعی که ضرورت ایجاب می‌کرد، با ملاحظات ویژه از مایع درون آن می‌آشامید. بنابراین می‌توان استفاده از این آلیاژ را کسب اعتماد طرف دریافت‌کنندهٔ خدمات دانست. از سوی دیگر مقاومت نسبتاً بالای آلیاژ برنج در برابر خوردگی ناشی از رطوبت که پیوسته در ارتباط با آن بودند، این نوع ظروف را برای مدت زمان طولانی، پایدار می‌کرد. اگرچه مقاومت فلز خالص مس در برابر خوردگی بیشتر است، سرعت اکسید شدن آن بالاست؛ به‌همین دلیل چنانچه ظروف

۲. این آلیاژ ترکیبی از فلزات مس و روی است؛ بهترین آمیزش آنها به‌ترتیب نسبت چهار به یک گفته شده است (Allan,1979: T.21).

۳. پژوهشگری چون «وارد»، معتقد است که این آلیاژ، مادهٔ مطلوب برای ساخت اشیای ظریف و زیبا در سراسر دوران اسلامی بوده است؛ اما آسیب‌پذیر بود و زنگار می‌گرفت و از سویی دیگر باعث ابتلا به یک بیماری سمی، خطرناک و بدبو می‌شد که به‌وسیلهٔ مواد اسیدی شدت می‌یافت. به‌همین علل، این آلیاژ برای ساخت ظروف غذاخوری و آشپزی مناسب نبود، مگر اینکه با روکشی از قلع پوشانده می‌شد (۱۳۸۴: ۲۹). با این حال هم‌او، تعداد قابل توجهی از ظروفی را معرفی کرده که از این آلیاژ ساخته شده و برای پخت و پز، غذاخوری، نگهداری، انتقال و مصرف مایعات استفاده می‌شدند؛ سینی، مشربه/تنگ/پارچ، لگن، بشقاب، دلو/سطل، بطری، کوزه، جام، کاسه و پاتیل از آن جمله است (بنگرید به همان: ۱۱۹–۲۷). خواجه نصیر طوسی نیز در معرفی فلزات هفت‌گانه و آلیاژها، دو مرتبه، برنج را آلیاژی معرفی کرده که ظروف/ «اوانیها» از آن سازند (۱۳۶۳: ۲۱۵و۲۲۷). بنابراین، همانگونه که در معرفی ظروف در مطالعات وارد نیز دیده می‌شود، این آلیاژ در ساخت انواع ظروف، کاربرد گسترده داشته است. آنچه را وی در ارتباط با عوارض استفاده از ظروف برنجی آورده، تحقیقات پزشکی اخیر به ظروف مسی نسبت داده‌اند (بنگرید به پی‌نوشت ۲۶).

پخت و پز و نوشیدن، پیوسته قلع‌اندود نشوند، مسمومیت ایجاد می‌کنند[۱]. کدرشدگی و تغییر رنگ در آلیاژ برنج به‌کندی رخ می‌دهد، این درست همان دغدغه‌ای است که فلزگران و دارندگان آثار فلزی پس از مدتی با آن دست به‌گریبان می‌شدند. آلمانی، آنها را «جام‌های سحری» نامید و نحوهٔ استفاده از آنها را در شرح مبسوطی چنین آورد؛ این جام‌ها اندازهٔ کوچکی دارند و بر بدنهٔ آنها علامات و حروفی نقر شده است و برای سحر، جادو و طالع‌بینی به‌کار می‌روند. وی فال گرفتن از آنها را چنین شرح می‌دهد که مایعی در جام می‌ریزند و حلقه یا انگشتری در آن فرو برده و مطالبی را به متقاضی می‌گفتند، در ایران مردم عوام به شکل‌ها و حروفی که بر روی ظرف کنده شده، توجهی ویژه دارند. پس از آنکه آبی در جام می‌ریختند، صبر می‌کردند تا حروف و اشکال در آب تأثیر کند و بعد آنرا می‌آشامیدند یا روی سر می‌ریختند. آلمانی افزوده است که ساختن این گونه جام‌ها معلوماتی لازم دارد و فلزگران بایستی به منجمی رجوع کنند و دستور ساخت آن را دریافت نمایند، این جام‌ها گران‌بها هستند و در دسترس همه‌کس قرار نمی‌گیرند. همچنین برای تسریع در اثربخشی آنها، پیش‌تر حیوانی را قربانی کرده و از خون آن بر جام می‌ریزند سپس آنرا در معرض دود مواد خوشبویی قرار می‌دهند که در آتش می‌سوزند، تمامی این اعمال با خواندن اورادی از روی صدق و خلوص نیت و دادن صدقه و درحالی که از خوردن غذا پرهیز می‌کنند، به‌انجام می‌رسد (آلمانی، ۱۳۳۵: ۳۵۶-۳۵۴).

در فرهنگ عامه، جام چهل کلید و باطل السحر استفادهٔ پردامنه‌ای داشت؛ این جام‌ها برای «چله‌بری» زن نازا و پیشگیری از افتادن چله بر نوزاد و نیز راندن شر جن، جادو و ارواح پلید از آدمیان و مانند آن کاربرد داشته است[۲](محمدی، ۱۳۹۸). به‌طور معمول برای دفع بلا و پیش‌گویی نیز به‌کار گرفته می‌شدند و البته از جنبهٔ شفابخشی که بر آنها اطلاق شده نمی‌توان چشم پوشید (بنگرید به: ساریخانی، ۱۳۹۲: ۱۶۱). به‌طور معمول جز شعائر مذهبی، آیاتی از قرآن مجید و ادعیه مشهور بر روی آنها نقر می‌شد که بر محبت و عطوفت میان آدمیان، افزایش رزق و روزی، استغفار از گناه و اسماءالحسنی

---

۲۷. اکسید مس در مواجهه با اسید یا بازهای محلول در آب یا مواد خوراکی واکنش نشان می‌دهد و به‌سرعت در مظروف حل می‌گردد؛ ورود بیش از حد نیازِ مس به بدن باعث رسوب شدن آن در کبد می‌شود و عوارض جسمی فراوانی در پی خواهد داشت؛ در نوع شدید، ایجاد مسمومیت می‌کند (بنگرید به: عبداللهی، ۱۳۹۷). در گذشته، حرفه‌ای بود که «قلعی‌گر / اسپیدگر / ارزیرگر» گفته می‌شد (بنگرید به: نفیسی، ۱۳۵۵: ۲۰۶)؛ صاحبان ظروف مسی برای پرهیز از عوارضی که گفته شد، به‌صورت دوره‌ای ظروف خود را به صاحبان این حرفه می‌سپردند تا قلع‌اندود کند.

۱. برای چله‌بُری و بچه‌دار شدن زن نازا، در حمام روی سر او «آب چله» می‌ریختند؛ به‌این ترتیب که جام را چهل‌بار پر آب می‌کردند و بر سر زن نازا که رو به‌قبله نشسته بود، می‌ریختند. همچنین برای جلوگیری از چله افتادن زن زائو، به‌مدت ده روز به‌نیت چله‌بری با این جام آب بر سر او می‌ریختند. برای پیشگیری از چله افتادن نوزاد و دوری ارواح پلید، با این گونه جام‌ها روی نوزاد آب می‌ریختند. نمونه‌ای از این گونه باورها، در شهر اصفهان گزارش شده است؛ دختران برای بخت‌گشایی و زنان برای خوشبختی، به حمام «شیخ بهایی» می‌رفتند و با جام چهل کلید بر سر و روی خود آب می‌ریختند. در خراسان و در برخی از نقاط ایران نیز، برای دفع نفوس بد و ارواح شریر از زائو، پس از خوراندن روغن، چهل عدد ریگ، چهل عدد نخود خام، چهل دانهٔ اسپند را به همراه مواد دیگر، در ظرفی پر از آب می‌ریختند؛ سپس جام چهل کلید را سه بار در آن فرو برده و بر چادر نمازی که بر بالای سر زائو نگاه داشته بودند، آن را می‌ریختند (محمدی، ۱۳۹۸).



■ شکل ۱. دو نما از بیرون طاس باطل‌السحر موجود در مؤسسه فرهنگی موزه‌های بنیاد (مأخذ: بایگانی مؤسسه).

تأکید می‌ورزید.

این ظروف به‌طور معمول اندازه‌ای متوسط و کوچک دارند. سطح درونی و بیرونی آنها حتی در لبه‌ها، با آرایه‌ها و کتیبه‌های متراکم پوشیده شده است. کتابت کتیبه‌ها، عمدتاً به خط نسخ، ثلث و نستعلیق است. به‌طور معمول کف پایه‌ای مقعر دارند و کف‌شان به‌همان اندازهٔ بدنهٔ داخلی، برجستگی دارد به‌گونه‌ای که گاه با کادربندی محل برآمده، نیز کتیبه‌هایی منقور می‌ساختند. پنجه‌ای فلزی بر مرکز کف داخلی برخی از آنها نصب می‌شده است. برخی از پژوهشگران آن را نشانه‌ای از دست حضرت ابوالفضل(ع)، پنج تن یا دست حضرت فاطمه(س) دانسته‌اند (محمدی، ۱۳۹۸).

ویژگی برجستهٔ این نوع از ظروف، داشتن آرایه‌های پرکار است. پرداخت آرایه‌ها به‌طور معمول با اجرای تُرنج‌ها و شمسه‌ها آغاز می‌شود و با آرایش نگاره‌ها در درون و بیرون آنها به‌انضمام نگارش کتیبه‌های متراکم در درون و پیرامون، کامل می‌شوند. نگارهٔ غالب در این گروه از ظروف، صور فلکی دوازده‌گانهٔ منطقه‌البروج است که در بدنهٔ بیرونی یا درونی اجرا شده‌اند. تکنیک اجرای آرایه‌ها، نخست قلم‌زنی به‌صورت حکاکی است سپس با استفاده از تکنیک «سیاه‌قلم»، نگاره‌ها و کتیبه‌ها را با ایجاد سایه‌روشن، به‌خوبی نمایانده‌اند.

جام باطل‌السحر مؤسسه

نمونهٔ موجود در مؤسسه با شمارهٔ «۴۵۰۱۴-م» در بخش گنجینه‌ها نگهداری می‌شود. بلندایی برابر با ۳ سانتی‌متر دارد. قطر کف آن ۵ و دهانه‌اش ۱۲/۵ سانتی‌متر است (شکل۱). وزنش ۲۲۰ میلی‌گرم و از آلیاژ برنج ساخته شده است. این ظرف دارای کف پایه‌ای مقعر، بدنه‌ای محدب و لبهٔ تخت متمایل به بیرون است. در نگارش کتیبه‌ها به‌طور عمده از خط ثلثِ خوش بهره‌گرفته شده و در کتابت شعائر مذهبی، از خط نستعلیق با پهنای بیشتر استفاده شده است. نمای بیرونی پایه با آرایهٔ هندسی مکرری آرایش یافته است. کتیبه‌هایی که با خط ثلث نگارش یافته‌اند، در تکنیک سیاه‌قلم، رنگ تیره داده شده‌اند تا در متن زرد برنجین بدنه بهتر نمایان شوند. این موضوع در نمایش خطوطی که معمولاً قلمی ریز دارند، ابتکاری کارآمد است و خوانش حروف و کلمات را حتی در قلم‌های با اندازهٔ ریز تسهیل می‌کند. درست

برخلاف آن، در درون و بیرون ظرف هرجا از قلم درشت استفاده شده، کتیبه به‌رنگ زرد بدنهٔ ظرف در زمینه‌ای تیره، کتابت شده است؛ ایجاد این سایه‌روشن نیز، در وضوح واژگان مؤثر افتاده، به‌گونه‌ای که در فاصله‌ای دورتر نیز می‌توان کلمات را به‌سادگی قرائت کرد. به‌طور کلی اجرای کتیبه‌ها، آرایهٔ صور فلکی، ترنج‌ها و نیم‌ترنج‌هایی که حامل کتیبه‌ها هستند، از ظرافت قابل توجهی برخوردارند و به این ظرف علی‌رغم اندازهٔ کوچکش، در مقایسه با نمونه‌های مشابه، جایگاهی ممتاز می‌بخشد.

آنچه که در مورد این ظرف در بررسی نگاره‌ها دریافت می‌شود، این است اجزای صورت به‌طور کامل اجرا نشده‌اند (شکل۱)؛ این موضوع را می‌توان در صورت نگاره‌های انسانی یا با تَشَخُّص انسانی دید. در نمونه‌هایی که می‌توانند با این مورد مقایسه شوند (بنگرید به: ساریخانی، ۱۳۹۲: تصاویر۳؛ ساریخانی و هاشمی زرج‌آبادی، ۱۳۹۳: تصاویر۱۰و۱۱؛ تارنمای‌های شماره۲،۳و۴)، جزییات صورت شامل چشمان، بینی، ابروان و گاه طرهٔ مو به‌روشنی دیده می‌شود. درحالیکه در نمونهٔ مؤسسه، صورت تنها سطحی بیضوی یا نزدیک به دایره، بدون جزییات است. اجرای بسیار نزدیک نمونه‌های قابل مقایسه، این کاستی را به‌روشنی نشان می‌دهند.

متن کتیبه‌ها در روی لبه با سورهٔ مبارکه «فاتحه» آغاز می‌شود و با فرازهایی از خطبه معروف «حضرت آدم(ع)» پایان می‌پذیرد (شکل۲):



■ شکل۲. دو نما از درون طاس باطل السحر موجود در مؤسسهٔ فرهنگی موزه‌های بنیاد (مأخذ: بایگانی مؤسسه)

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿۱﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۲﴾ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿۳﴾ مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ ﴿۴﴾ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ﴿۵﴾ اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿۶﴾ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ﴿۷﴾»

«بسم‌الله الرحمن الرحيم الحمد لله ثنائی هو الله الذی لا إله إلا هو الحی القيوم بحق إلوهيتك و بحق وحدانيتك

وبحق عظمتك و الكبرياء ردائی و العظمة إزاری الرحمن الرحيم الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر اللهم أعطف بينی و بين بنی آدم و بنات حوا بالمودة و المحبة و الشفقة والرحمة والكرامة والألفة كلهم عبدی وإمائی الأنبياء والرسل أنبيائی و الأوصياء أوليائی... (خطبه حضرت آدم(ع))»

در زیر لبهٔ بیرونی دعای زیر آمده است:

«اللهم افض ما اسئلک یا قاضی الحاجات یا کافی المهمات اکفنا ما اهمنا محمد حبیبی و نبی و رسولی صلی الله علیه (ادامه به نیم‌ترنج بدنه و حدفاصل صورت گاو و دوپیکر با این عبارت: «و آله و سلم» منتقل شده) در ادامه و در زیر لبه «والقمر مسخرات بأمره و العظمه و الکبریا ردائی والعز و الجبروت فی جلال و الجمال ثنائی الخلق کل هم عبادی و امائی و الرسل اولیائی و اصفیائی الحی القیوم الواحد یا لاحد الواجد یا لاجد الصمد القادر المقتدر المقدم الاول الاخر الظاهر الباطن الوالی المتعالی»

بلافاصله در زیر لبه در نواری که با قلم درشت نگارش یافته، اسامی و القاب ائمه(علیهم‌السلام) با خط نستعلیق با مقدمه‌ای که ذکر صلوات بر حضرت پیامبر گرامی اسلام(ص) را تضمین می‌کند، اجرا شده‌اند. متن کتیبه در بستری از اسلیمی‌های زیبا و ریزکار و درون حاشیه‌ای از دو نوار پهن و باریک با این عبارات کتابت شده است:

«اللهم صلی علی محمد المصطفی و امام علی المرتضی و امام حسن المجتبی و امام حسین الشهید بکربلا و امام علی زین‌العا{بدین} و امام محمد الباقر و امام جعفرالصادق و امام موسی الکاظم و امام علی موسی‌الرضی و امام محمد التقی و امام علی النقی و امام حسن العسکری و امام محمد المهدی».

این جملهٔ دعایی، با عبارات یکسان در بسیاری از کاسه‌های دورهٔ صفوی و پس از آن، که طاس یا جام چهل کلید نیز نیستند، با نوشتاری برابر دیده می‌شود (بنگرید به: Melikian-Chirvani, 1982: 288,289؛ پوپ و آکرمن، ۱۳۸۷: ۱۳۸۵شکل.الف، ۱۳۸۶شکل.الف و ۱۳۸۷شکل.ب؛ تارنمای‌های شماره،۷، ۵ ،۶ و ۸). این دعا به‌جز مضمون دعایی، بی‌گمان در برگیرندهٔ شعاری است که با آغاز حکومت صفویان به‌صورت سراسری اعلام شد و همان اعلان مذهب رسمی کشور ایران است که پیوسته در آثار هنری و معماری به‌شیوه‌های مختلف بیان می‌شد.

در زیر آن و در واقع در نیم‌ترنج بالایی پیرامون ترنج‌های بدنهٔ میانی، ادامه خطبهٔ پیشین که بیان اسماءالحسنی نیز هست، آمده است (شکل۲). در ادامه و در برخی از نیم‌ترنج‌ها و ترنج‌های بدنهٔ منتهی به پایه، آیاتی از سوره‌های مبارکهٔ «اخلاص»، «احزاب»، «قلم»، «نصر» و «صافات» با خط ثلث خوش نگارش یافته است (شکل۳). در نیم‌ترنج‌های ردیف بالا اسماءالحسنی آمده است: «البر التواب النعیم الغفور المنتقم الرئوف مالک الملک ذی الجلال و الاکرام المقسط الجامع الغنیّ المغنی مانع الضار نافع النور

البالغ الباقی الوارث الرشید الصبور الذی... لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد لیس» (***از اینجا به بعد به نیم‌ترنج زیرین منتقل شده***) «کمثله شیء و هو السمیع العلیم» (در نیم‌ترنج بالا در حد فاصل صورت ثور تا سرطان): «واله و سلم امته خیر الامم کلهم احبابی» نقر شده و در ادامه، فرازی از یک دعا آمده: «أنی قد زوجت أمتی بدیع فطرتی و وضع قدری». ادامهٔ آن به نیم‌ترنج ردیف پایین با این عبارات منتقل شده است: «بصدق تسبیحی تنزیهی صلی الله علیه و آله و سلم تسلیما». در نیم‌ترنج بعدی (در ردیف پایین) «کرا کثیرا» آمده که دو واژهٔ آخرین آیه ۴۱ سورهٔ مبارکهٔ «احزاب» است که حرف «ذ» آن در پایان آیه ۴۰ در ترنج پیرامون پایه کتابت شده است. بنابراین بدون آوردن تمامی آیه، تنها به دو واژهٔ ذکرا کثیرا اکتفا شده است. در ادامهٔ نیم‌ترنج‌ها، بخشی از آیهٔ ۵۱ سورهٔ مبارکهٔ قلم با تضمین بسم‌الله چنین آمده است: «بسم الله الرحمن الرحیم وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا» (ادامه به ترنج پیرامون پایه منتقل شده است) «الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ (۵۱)». در ادامه و در همان ترنج، آیهٔ پایانی همان سورهٔ مبارکهٔ به‌این ترتیب آمده است: «وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (۵۲)». در ادامه و در همان ترنج دور پایه که تا ترنج دیگر ادامه یافته، آیاتی از سورهٔ مبارکهٔ «نصر» به‌این ترتیب نقر شده است: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ (۱) وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا (۲) فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا (۳)» در ترنج بعدی آیهٔ ۴۰ سورهٔ مبارکهٔ «احزاب» و حرف «ذ» از واژهٔ «ذکرا»، دومین کلمهٔ منتهی به آخر آیهٔ ۴۱ همان سورهٔ مبارکهٔ آمده است: «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (۴۰) ذ ». در دو ترنج پایانی، آیات ۱۸۰تا ۱۸۲ سورهٔ مبارکهٔ «صافات» کتابت شده است: «سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ (۱۸۰) وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ (۱۸۱) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۸۲)».



■ شکل۳. نمای بیرونی طاس و نحوهٔ استقرار صور فلکی منطقه‌البروج در بدنهٔ میانی نمای بیرونی (مأخذ: بایگانی مؤسسه)

آرایش بدنهٔ میانی با اجرای ترنج‌های نسبتاً بزرگ و صور دوازده‌گانهٔ فلکی منطقه‌البروج در متنی از نقوش اسلیمی به‌انجام رسیده است (شکل۳). استقرار نگاره‌ها، ترتیب چپ‌گرد دارد؛ نخست صورت فلکی حمل یا بره است که به‌همان رسم معمول در هیأت گوسفندی فربه نمایانده شده است. پس از آن نقش گاو نر به‌نشانهٔ برج ثور آمده است. آرایهٔ سوم تلاش می‌کند که صورت جوزا را در هیأت فردی که چهارزانو نشسته و در عین حال دو سر دارد، نشان دهد. در این نگاره، هنرمند، دوپیکر را در هیأت یک

شخصیت با دو سر نشان داده است. در نگارهٔ چهارم هنرمند کوشیده است با چند بخشی نشان‌دادن بدن خرچنگ، برج پنجم را که سرطان نیز خوانده می‌شود، بنمایاند. خرچنگ در این نگاره، قرص خورشیدی را در چنگ‌های بزرگ خود نگه داشته است؛ هنرمند همانند نگارهٔ شیر و خورشید، به‌نوعی حضور خورشید را در برج سرطان نشان داده است. برج اسد به‌رسم معمول هنر دوران اسلامی با نمایش شیر غران و خورشید مشعشع طالع که با اهدای صورت انسانی، تشخص یافته، به تصویر کشیده شده است. ماه شهریور یا برج سنبله که عذرا نیز خوانده می‌شود، در هیأت مردی که خوشه‌های گندم را با داس درو می‌کند، به‌نمایش درآمده و برج میزان یا ماه مهر با تصویر مردی که با ترازو در حال توزین است، نقش شده است. برج هشتم یا عقرب، در شمایلی که از جاندار بندپا انتظار می‌رود، تصویر شده و برج نهم یا قوس به‌همان شیوهٔ متعارف، در هیأت مرداسبی که دم اژدها شدهٔ خود را نشانه گرفته، به‌نمایش گذاشته شده است. صورت فلکی جدی که نشانهٔ برج دهم یا دی‌ماه است، با نقش بزغاله تصویرسازی شده است. هنرمند با نشان دادن مردی که با دلو از چاه آب بیرون می‌کشد، برج دلو یا ماه یازدهم را نشان داده است. نشان دادن ساختار معماری دهانهٔ چاه با رج‌چین کردن آجرها، در این نگاره درخور توجه است. آرایش معمول دو ماهی متقارن در کادر پایانی به‌نشانهٔ برج حوت یا اسفندماه نقش بسته است. اجرای این نقوش، ماهرانه به‌انجام رسیده و در بسیاری از نگاره‌ها، هنرمند تلاش کرده جزییات اندام‌ها و اجزای حیوان یا شیء مورد نظر را به‌روشنی نشان دهد.

در ترنج‌های زیر لبهٔ داخلی ادامهٔ خطبهٔ حضرت آدم(ع) آمده است:

«أنبیائی و الاولیائی اللهم سهلنی بین خلقك و آمنی من عذابی و نجتنی من بلائك و شدتک من جمیع آفاتك و عاهاتك و سخطك و قضائک و بلائک و محمد صلی الله علیه وأله و سلم حبیبی و رسولی و نبیی اللهم بعزتك وجلالك و سلطانك و ملکک کالذی لا یرام و أمرك الغالب حبیبی فی قلوب عبادك و إمائك و بین خلقك و سماواتک و الأرضک. الخالق البارئ المصور اللهم أسألك بحقائق من حقک و بحق الأنبیاء و المرسلین و أولیائك من عبادك الصالحین اللهم ألف و سرنی بینی و بین بنی آدم و بنات حواء کما ألفت بین إبراهیم و سارة و وفق بینی و بین قلوب بنی آدم و بنات حواء کما بین قلوب سلیمان و بلقیس أشهدوا یا ملائکتی و سکان سمواتی و حملة عرشی أنی قد زوجت حواء بدیع فطرتی و وضع قدری بعد آدم»

در بدنهٔ داخلی و در ترنج‌های بدنهٔ میانی، ادامهٔ خطبهٔ حضرت آدم(ع) و آیاتی از سوره‌های مبارکهٔ «بقره»، «آل عمران»، «المائده»، «یوسف»، «طه» و «ص» با خط ثلث خوش نگارش شده است:

«علیه السلام بصدق تسبیحی وتهلیلی و تنزیهی و هی آیة الکرسی و بشهادة أن لا إله إلا الله الغفار القهار الوهاب الرزاق الفتاح العلیم القابض الباسط الحافظ الرافع المعز السمیع البصیر الحکیم العدل اللطیف الخبیر.

اللهم اعطف الألفة و المودة و الشفقة فی قلوب بنی آدم و بنات حواء علی حبه. یا آدم و یا حواء ادخلا علی جنتی و کلا من ثمرتی و لا تقربا هذه الشجره. السلام علیکما و رحمتی و برکتی الحلیم العظیم الغفور الشکور العلیّ الکبیر الحسیب المقیت الحفیظ الجلیل الکریم الرقیب المجیب الباعث الواسع الحکیم الودود المجید الشهید (سوره مبارکه۲/ بقره): یُحِبُّونَهُمْ کَحُبِّ اللَّهِ وَ الَّذِینَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ یَرَی الَّذِینَ ظَلَمُوا إِذْ یَرَوْنَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِیعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِیدُ الْعَذَابِ ﴿۱۶۵﴾ (سوره مبارکه۳/ آل عمران): زُیِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِینَ وَالْقَنَاطِیرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَیْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَیَوَاه/ الحیاه الدُّنْیَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ ﴿۱۴﴾ قُل إِن کُنتُم تُحِبّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعونی یُحبِبکُمُ اللَّهُ وَیَغفِر لَکُم ذُنوبَکُم وَاللَّهُ غَفورٌ رَحیمٌ ﴿۳۱﴾ لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّی تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ ﴿۹۲﴾ (سوره مبارکه۵/المائده): یُحِبُّهُم وَیُحِبّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَی الْمُؤمِنینَ أَعِزَّةٍ عَلَی الکافِرینَ ﴿۵۴﴾ (سوره مبارکه۱۲/یوسف): قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرَاهَا فِی ضَلَالٍ مُبِینٍ ﴿۳۰﴾ وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِی بِهِ أَسْتَخْلِصْهُ (***از اینجا به بعد به ترنج پایین منتقل شده***) لِنَفْسِی فَلَمَّا کَلَّمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْیَوْمَ لَدَیْنَا مَکِینٌ أَمِینٌ (۵۴) قَالَ اجْعَلْنِی عَلَی خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّی حَفِیظٌ عَلِیمٌ (۵۵) (سوره مبارکه ۲۰/طه): وَأَلْقَیْتُ عَلَیْكَ مَحَبَّةً مِنِّی وَلِتُصْنَعَ عَلَی عَیْنِی ﴿۳۹﴾ إِذْ تَمْشِی أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّکُمْ عَلَی مَنْ یَکْفُلُهُ فَرَجَعْنَاكَ إِلَی أُمِّكَ کَیْ تَقَرَّ عَیْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَقَتَلْتَ نَفْسًا فَنَجَّیْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا فَلَبِثْتَ سِنِینَ فِی (واژه «فی» دو بار نقر شده است یکی در ترنج پیشین و دیگری در ترنج بعدی) فی أَهْلِ مَدْیَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلَی قَدَرٍ یَا مُوسَی ﴿۴۰﴾ (سوره مبارکه۳۸/ ص): فَقَالَ إِنِّی أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَیْرِ عَنْ ذِکْرِ رَبِّی حَتَّی تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ ﴿۳۲﴾ رُدُّوهَا عَلَیَّ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ ﴿۳۳﴾. در ادامه با کتابت چند دعا، ترنج‌ها و نیم‌ترنج‌های دور حلقه میانی خاتمه یافته‌اند: اللهم انی اسالک نعمائک المخزون علی عرشک العظیم و بحق آیاتک کلها الشریفه ان یعطف قلوب جمیع خلقک من الذکر و الانثی و الکبیر و الصغیر و الحر و المملوک و السلاطین و الامراء و وزراءهم اجمعین. اللهم انی فی اعینهم مما بخیرا و مهنا...............اللهم کما اصطفیناه و اصطفیت الانبیاء و المرسلین.

در شیارهای مؤرب برجستگی داخل که در بسیاری از نمونه‌های جدید محل نصب پنجه‌ای است که کلیدهای جام‌های چهل کلید به آن گره زده می‌شود، نیز کتیبه‌هایی به خط ثلث خوش نگاشته شده است؛ اسماءالحسنی و آیاتی از قرآن مجید درون‌مایۀ آن کتیبه‌هاست: (سورۀ مبارکۀ ۳۸/ص): الشَّیَاطِینَ کُلَّ بَنَّاءٍ وَغَوَّاصٍ ﴿۳۷﴾ کما سخر الشمس و الاولیاء و الصالحین. سوره مبارکه «مائده»: فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ ﴿۵۶﴾. اللهم اردت یسمی الرحمن مفتاح خزاین و الرحیم مفتاح نجاتی من العصیان و المذنبین المجرمین. الشهید الحق الوکیل القویّ المتین الولیّ الحمید المحصی المبدیء المعید المحیی الممیت اللهم انی یا قاضی الحاجات انت تسخر الحب و الآف البنین.

دورهٔ تاریخی و زمان ساخت

در بدنهٔ بیرونی و در نوار کتیبهٔ بزرگ لبه، درست در موقعیت زیر و میان نام امام یازدهم، حضرت امام حسن العسکری(ع)، رقم «۱۰۸۰» را می‌توان شناسایی کرد (شکل۴). این عدد، سال دوم از پادشاهی شاه سلیمان صفوی (حک: ۱۱۳۹-۱۰۷۹ ه.ق.) است. در مقایسهٔ تطبیقی این ظرف با نمونه‌های مشابه نیز می‌توان به دریافتی برابر دست یافت؛ آرایهٔ پایهٔ ظرف که تزئین هندسی مکرری است، در نمونه‌ای دیگر نیز که به‌دورهٔ صفوی تعلق دارد، دیده می‌شود (بنگرید به: ساریخانی و هاشمی زرچ‌آبادی، ۱۳۹۳: تصویر۱۰؛ تارنمای‌شمارهٔ ۹). برخی از این ادعیه، با یکی از نمونه‌های سدهٔ یازدهم موجود در موزهٔ ملی ایران متنی تقریباً برابر دارد که در کتب ادعیه مشاهده نشده‌است (بنگرید به: ساریخانی، ۱۳۹۲: تصاویر۳). آرایه‌های صور فلکی منطقه‌البروج در جام‌های باطل السحر متعددی از دورهٔ صفوی که نمونه‌هایی از آن در موزهٔ ملی ایران و «موزهٔ بروکلین» در شهر نیویورک وجود دارند، با اجرایی نزدیک به‌هم در کلیات و جزییات، نیز دیده می‌شوند؛ اجرای نگاره‌ها در متنی از اسلیمی‌های پرکار (بنگرید به: ساریخانی و هاشمی زرچ‌آبادی، ۱۳۹۳: تصویر۱۰و۱۱؛ تارنمای‌های شمارهٔ۲و۳)؛ نشان دادن صورت دو پیکر در هیأت فردی که چهارزانو نشسته و در عین حال دو سر دارد (بنگرید به: تارنمای‌های شمارهٔ۲و۳)؛ نشان دادن جزییات رج‌چین دهانهٔ چاه نگارهٔ دلو (بنگرید به: ساریخانی و هاشمی زرچ‌آبادی، ۱۳۹۳: تصویر۱۰؛ تارنمای‌شمارهٔ۲و۳)؛ رخ محراب‌نمای خورشید در نگارهٔ برج اسد (بنگرید به: تارنمای شمارهٔ۴)؛ رخی که خرچنگ برج سرطان در چنگال‌های بزرگ خود نگاه داشته (بنگرید به: همانجا)؛ سیمایی که از خوشه‌های گندم و تلاش مرد دروگر در چیدن آنها در صورت عذرا نشان داده شده (بنگرید به: تارنمای شمارهٔ۱۰) و حالت مرد-اسب تیرافکن به دم اژده‌ها شده‌اش در صورت قوس (بنگرید به: ساریخانی و هاشمی زرچ‌آبادی، ۱۳۹۳: تصویر۱۰؛ تارنمای شمارهٔ ۲،۳ و۱۱) از آن جمله است. بنابراین به‌نظر می‌رسد که این ظرف در اواخر دورهٔ صفوی و در زمان شاه سلیمان صفوی ساخته شده است.



■ شکل۴. بخشی از نوار کتیبهٔ زیر لبه، متضمن صلوات بر پیامبر(ص) و ائمه معصومین (علیهم‌سلام) به‌همراه کتیبه عددی ۱۰۸۰ یعنی سال ساخت طاس (مأخذ: بایگانی مؤسسه).

نتیجه‌گیری

علاقهٔ نوع انسان به پیشگویی وقایع و شناخت عوامل پدیده‌هایی که به‌طور مستقیم بر زندگی وی تأثیر داشت، باعث شکل‌گیری فنونی شد که بعضاً علوم غریبه نام گرفتند. دانش محدود بشر باعث شد که گاه ره به‌اغراق زند و به عرصهٔ اوهام و تخیل ورود کند. دفع خطر، چشم زخم، طالع‌بینی، پیشگویی، افزایش روزی، غیب‌گویی و جلب محبت که در نمونه‌های غلوآمیز به سحر، طلسم و جادو می‌انجامید، از آن جمله است. گره زدن سرنوشت انسان با این اوهام، بیش از پیش بر رونق این امور افزود و بشر پیوسته تلاش می‌کرد ضعف‌های خود را از این راه مرتفع نماید. گرویدن خیل کثیری از عوام به این تفکرات، بقای آنرا در دوره‌های تاریخی مختلف تضمین کرد. ابزارهای مختلفی برای این امور اندیشیده شد که طاس/جام‌های چهل‌کلید و باطل السحر در دوره‌های تاریخی مختلف از مهم‌ترین آنها به‌شمار می‌آیند. این آثار علی‌رغم استفادهٔ تاریخی بعضاً بی‌وجه‌شان، در ساخت و پرداخت، به‌ویژه در دوران اسلامی، جنبه‌های هنری قابل توجهی دارند. پژوهش‌های پرشماری در ارتباط با زبان، خط، درونمایهٔ نوشتارها، ماهیت تصاویر و عملکرد این ظروف به‌انجام رسیده است. در گنجینه‌های مؤسسهٔ فرهنگی موزه‌های بنیاد مستضعفان، چند نمونه از این ظروف نگهداری می‌شوند؛ یکی از ظروف به لحاظ دارابودن جنبه‌های هنری، نمونه‌ای شاخص به‌شمار می‌رود. این اثر علی‌رغم تهیهٔ پروندهٔ کارشناسی برای آن، در هیچ پژوهش فراگیری مطالعه و معرفی نشده و علاوه بر آن، زمان و دورهٔ ساخت اثر نیز به‌تحقیق مشخص نشده است. از این‌روی در پژوهش حاضر که داده‌های آن با مطالعهٔ عینی اثر و مطالعات اسنادی گردآوری شده‌اند، این اثر با پژوهش موردی، بررسی و مطالعه شده و در تفسیر و تحلیل یافته‌ها از رهیافت تاریخی و سنت‌گرایی استفاده شده است.

نتایج تحقیق نشان می‌دهند که پیشینهٔ این نوع از ظروف به دوره‌های پیشدادی و کیانی و پادشاهانی چون جمشید و کیخسرو باز می‌گردد؛ در دوران تاریخی نمونه‌های ساده و ابتدایی سفالین آن در اواخر دورهٔ ساسانی ظاهر شد؛ درونمایهٔ کتیبه‌های آنها طلب روزی، دفع نیروهای شر با استمداد از نیروهای خیر و جلب محبت دیگران بود. در سده‌های نخستین دوران اسلامی به‌دلیل رواج اندیشه‌هایی که این گونه امور را تقبیح می‌کردند، استفاده از آنها به‌نوعی منسوخ گشت؛ در این دوره، شبه‌جملات و جملات دعایی، حکمی و اخلاقی و گاه احادیث بزرگان دین جایگزین متون وهم‌گونهٔ پیشین درج شده روی کاسه‌های سفالین شد. در سده‌های میانه و به‌طور مشخص در دورهٔ حکمرانی اتابکان زنگی، نمونه‌های فلزین این گونه ظروف آشکار شدند. در سده‌های متأخر دوران اسلامی و با ظهور صفویان، این گونه

ظروف به‌صورت گسترده رواج یافتند و تعداد قابل توجهی از آن ساخته شد و تا سدهٔ اخیر نیز ساخت و داشتِ آنها همچنان رونقی چشمگیر داشته است. در بررسی منابع معتبر مشخص شد که در دورهٔ صفوی و پس از آن، نام این آثار طاس چهل کلید، باطل السحر و جام سحری بوده است.

قریب به‌اتفاق این ظروف اندازهٔ متوسط و کوچکی دارند. در ساخت این نوع از کاسه‌ها به‌طور معمول از آلیاژ برنج استفاده شده است. علت این امر غیر از مقاومت این آلیاژ در برابر خوردگی ناشی از رطوبت و کدری در اثر استعمال زیاد، به موضوع دیگری باز می‌گردد و آن باور به قابلیت این آلیاژ در آشکارکردن و خنثی‌سازی سوءقصدهاست؛ باور داشتند که مایعات مسموم به آرسنیک زمانی که در این ظروف ریخته می‌شد، واکنش روشن شیمیایی پیدا می‌کرد و به‌سادگی مصرف کننده را متوجه توطئه می‌کرد. به‌طور معمول کتیبه‌ها با سورهٔ فاتحه در بخش رویی لبه و بخش یا تمامی آیت‌الکرسی (در زیر یا بر رو)، آغاز می‌شود. عموماً کتیبه‌ها حاوی نام سازنده، سفارش دهنده یا سال ساخت نیستند. کتیبه‌ها با خط ثلث، نسخ و نستعلیق نگاشته شده‌اند؛ قلمزنی به‌صورت حکاکی شیوهٔ غالب آرایش این دسته از ظروف است. شیوهٔ دیگر، بهره‌گیری از تکنیک سیاه‌قلم است. حروف کتیبه‌های با قلم ریز به‌رنگ ماده تیره‌رنگی نشان داده شده‌اند که در سیاه قلم استفاده شده است. آرایه‌ها و نگاره‌های درشت و حروف کتیبه‌های نستعلیق که قلمی پهن‌تر دارند، به‌رنگ زمینه و بدنهٔ فلزی اجرا شده‌اند. کتیبه‌ها و نگاره‌ها با ترنج‌ها، نیم‌ترنج‌ها، اختری‌ها و گاه کادرهای نیم‌چلیپا از هم جدا شده‌اند؛ در موارد متعدد نیز متن یک کتیبه در چند کادر نگاشته شده است. حضور صور فلکی منطقه‌البروج و گاه هفت سیاره‌ای که در جهان باستان می‌شناختند، در بدنهٔ بیرونی و در بعضی موارد در بدنهٔ داخلی، پیوستگی ویژه‌ای دارد. اجرای نگاره‌های این صور در دورهٔ صفوی رسم تقریباً یکسانی دارد. غیر از نمایش آنها در متنی از اسلیمی‌های نسبتاً پرکار، اجزای نگاره‌ها نیز در نمونه‌های متعددی به‌هم نزدیک‌اند. متن غالب در کتیبه‌ها، آیاتی از سوره‌های مبارکهٔ بقره، مائده، قلم، نصر، توحید، طه، یوسف و «ص» است. ادعیهٔ مشهوری که به جلب محبت تأکید می‌ورزند نیز کاربرد پیوسته‌ای دارند. اسماءالحسنی، صلوات بر پیامبر گرامی اسلام(ص) و ائمه اطهار(علیهم سلام) با تضمین القاب ایشان در بدنهٔ میانی وجه بیرونی ظرف به‌همراه دعای مشهور نادعلی در نخستین حلقهٔ کتیبه‌ها در کف داخلی، حضور همیشگی دارند.

دفع چشم‌زخم، باطل کردن سحر، جادو و طلسم، طالع‌بینی، پیشگویی، غیب‌گویی، شفابخشی، دفع نفوس بد و ارواح شریر از زن زائو یا به‌اصطلاح پیشگیری از چله افتادن زن زائو، جلوگیری از چله افتادن نوزاد، چله‌بری و بچه‌دار شدن زن نازا، بخت‌گشایی برای دختران، طلب خوشبختی برای زنان و به‌طور کلی هرگونه گشایش و بستگی در روزی و اقبال در این گونه ظروف و اشیاء جستجو می‌شده است. استفاده

به‌این ترتیب بود که دعایی که بر کاغذ نوشته شده بود را در آب درون این ظرف حل می کردند و به مشتری می‌خوراندند یا در حمام با این ظروف چهل بار بر سر و روی زن زائو، نوزاد و زنان سترون آب می‌ریختند.

نمونۀ موجود در مؤسسه اندازه کوچکی دارد. لبه‌اش تخت و کمی برگشته به بیرون است؛ بدنۀ آن محدب و دارای کف پایه‌ای مقعر است. تمامی سطح بدنۀ درونی و بیرونی، روی و زیر لبه و برجستگی کف، مسطور به کتیبه‌هایی متضمن اسماءالحسنی، آیاتی از سوره‌های مبارکۀ آل عمران، بقره، صافات، ص، طه، یوسف، قلم، مائده، نصر، توحید و احزاب است. کتابت این اثر با سورۀ مبارکۀ فاتحه بر روی لبه آغاز گشته و برخلاف بیشتر نمونه‌ها که با آیت‌الکرسی ادامه یافته‌اند، در این مورد، کتیبه‌های روی لبه، با جمله‌هایی از خطبۀ معروف حضرت آدم(ع) پایان می‌پذیرد. خط نگارش این کتیبه‌ها، ثلث خوش با قلم ریز است. در میانۀ بدنۀ بیرونی صلوات بر پیامبر گرامی اسلام(ص) و ائمۀ معصومین(علیهم سلام) به‌همراه القاب‌شان با خط نستعلیق و با قلم درشت کتابت شده است. در نخستین حلقۀ کتیبه‌ها در کف داخلی، دعای مشهور نادعلی با خط نستعلیق و قلم درشت نگاشته شده است. در نمای بیرونی طاس، صور فلکی دوازده‌گانۀ منطقه‌البروج با نگاره‌ای که معرف هرکدام است، اجرا شده‌اند. تمامی کتیبه‌ها و آرایه‌ها در درون ترنج و نیم‌ترنج‌های منقور، نوشته شده‌اند. شیوۀ اجرای عناصر تزئینی، قلم‌زنی به‌روش حکاکی است؛ بهره‌گیری از تکنیک سیاه‌قلم نیز در نمایش بهتر حروف واژگان و اجزای نگاره‌ها به‌خوبی عمل کرده است.

وجود کتیبۀ متضمن سال ساخت، یعنی عدد ۱۰۸۰ در بدنۀ بیرونی ظرف، نشان می‌دهد که این طاس در دومین سال از حکومت شاه سلیمان، از شاهان واپسین دورۀ صفوی، ساخته شده است. مقایسۀ ویژگی‌های ساختاری ظرف و شیوۀ بازنمایی نگاره‌های صور فلکی منطقه‌البروج، تعلق این اثر را به‌دورۀ صفوی و سدۀ یازدهم هجری محرز ساخته است.

منابع

- قرآن مجید
- آلمانی، هانری رنه د. (۱۳۳۵). سفرنامه از خراسان تا بختیاری. ترجمه: محمدعلی فره‌وشی. تهران: امیر کبیر.
- آیدنلو، سجاد. (۱۳۹۶). جام‌های ویژه چند شخصیت داستانی و تاریخی در متون ایرانی. پژوهش‌های ایران‌شناسی. سال۷. شماره۱. ۱۴-۱.
- آیدنلو، سجاد. (۱۳۹۸). چند نکته، سند، و آگاهی جدید درباره جام جمشید و کیخسرو. دو فصل‌نامه مطالعات فرهنگ و هنر آسیا. سال اول، شماره اول. ۵۱-۲۳.
- احسانی، محمدتقی. (۱۳۶۸). هفت هزار سال هنر فلزکاری در ایران. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- افضل طوسی، عفت‌السادات و مونس سنجی. (۱۳۹۳). آرایه‌ها و نگاره‌های مرتبط با چشم‌زخم در دستبافته‌های اقوام ایرانی. مجله نگره. شماره‌ی۳۱. ۷۷-۹۱.
- بلاغی، عبدالحجه. (۱۳۸۶). حجه‌التفاسیر و بلاغ‌الاکسیر. جلد۷. قم: حکمت.
- بلوکباشی، علی. (۱۳۵۶). فرهنگ عامه. تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- پوپ، آرتور اپهام و فیلیس آکرمن. (۱۳۸۷). سیری در هنر ایران. جلد۱۳. ترجمه: نجف دریابندی و همکاران. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- تناولی، پرویز (۱۳۸۷). طلسم، گرافیک سنتی ایران. تهران: بن‌گاه، وابسته به مؤسسه فرهنگی هنری بن‌گاه.
- خواجه نصیرالدین طوسی. (۱۳۶۳). تنسوخ‌نامه ایلخانی. تعلیقات و مقدمه: محمدتقی مدرس رضوی. تهران: اطلاعات.
- ساریخانی، مجید. (۱۳۹۲). پژوهشی تحلیلی بر جلوه‌های آیات قرآنی بر آثار فلزکاری ایران در دوران صفوی و قاجار» با استناد به آثار فلزی موزه ملی ایران». مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی. شماره۵. ۱۶۸-۱۵۵.
- ساریخانی، مجید و حسن هاشمی زرج‌آبادی. (۱۳۹۳). پژوهشی تحلیلی بر کتیبه‌نگاری آیه‌الکرسی در آثار هنری ایران. فصلنامه نگارینه هنر اسلامی. شماره۳. ۷۹-۷۰.
- سلیم تهرانی، محمد قلی. (۱۳۴۹). دیوان کامل محمدقلی سلیم تهرانی. به‌تصحیح و اهتمام: رحیم -رضا. تهران: انتشارات ابن سینا.
- سنایی، مجدودبن آدم. (۱۳۸۱). دیوان حکیم سنایی غزنوی بر اساس معتبرترین نسخه‌ها. مقدمه شرح زندگی و شیوه بیان سنایی: بدیع‌الزمان فروزانفر. به‌اهتمام: پرویز بابایی. تهران: نشر آزادمهر.
- شاردن، ژان. (۱۳۷۴). سفرنامه شاردن. ترجمه: اقبال یغمایی. جلد سوم. تهران: توس.
- شاه نعمت‌الله ولی. (۱۳۹۱). دیوان شاه نعمت‌الله ولی. مقدمه: سعید نفیسی. تهران: موسسه انتشارات نگاه.
- شفا، شجاع‌الدین (۱۳۸۳). افسانه خدایان. تهران: نشر دنیای نو.
- شریعت‌زاده، علی‌اصغر (۱۳۷۱). فرهنگ مردم شاهرود. جلد دوم. تهران: پازینه.
- شکورزاده، ابراهیم (۱۳۶۳). عقاید و رسوم مردم خراسان. تهران: سروش، انتشارات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.
- شمس، اسماعیل. (۱۳۹۳). فولکور و تاریخ کرد. قم: مجمع ذخایر اسلامی.
- شهری‌باف، جعفر. (۱۳۸۳). طهران قدیم. جلدهای ۱، ۳و۴. تهران: معین.

- عبداللهی، زهرا. (۱۳۹۷). آموزش رعایت اصول بهداشتی- تغذیه‌ای در استفاده از ظروف مسی. نامه رسمی مدیر دفتر بهبود تغذیه جامعه به معاونت بهداشت دانشگاه/ دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی. معاونت بهداشتِ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی. به‌شماره: ۳۱۱/۴۵۴۲د. مورخ ۱۳۹۷/۰۳/۲۳.
- -عربستانی، مهرداد. (۱۳۹۸). صابئین مندایی و دنیای در حال تغییرشان. مجله پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران. دوره۹. شماره۱. ۳۱-۴۹.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۱). شاهنامه. دفتر سوم. به‌کوشش جلال خالقی مطلق. کالیفرنیا: بنیاد میراث ایران.
- فکری‌پور، کتایون، فریبا شریفیان و آزاده حیدری‌پور. (۱۳۹۶). بازتاب اعتقاد و باور به سحر و جادو در کاسه‌دعاها و مُهرهای سحرآمیز (مطالعه موردی کاسه‌های منطقه‌ی میان‌رودان و خوزستان). مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی. شماره۱۴. ۷۹-۹۰.
- قوچانی، عبدالله. (۱۳۶۴). کتیبه‌های سفال نیشابور. تهران: موزه رضا عباسی.
- گریمال، پیر. (بی‌تا). فرهنگ اساطیر یونان و روم. ترجمه: احمد بهمنش. جلد دوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محمدی، پروانه (۱۳۹۸). چهل‌کلید، جام. مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی). وب‌سایت شماره۱۲.
- معین، محمد. (۱۳۶۴). مجموعه مقالات دکتر محمد معین. گردآورنده: مهدخت معین. جلد۱. تهران: انتشارات معین.
- نظامی گنجوی. (۱۹۶۰). خسرو و شیرین. ترتیب دهنده متن علمی و انتقادی: له‌والکساندرورویچ خه‌تاقوروف. باکو: فرهنگستان علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان.
- نفیسی، علی اکبر. (۱۳۵۵). فرهنگ نفیسی. جلد نخست. تهران: کتابفروشی خیام.
- وارد، ریچل. (۱۳۸۴). فلزکاری اسلامی، از مجموعه آثار هنر اسلامی (۱۰). ترجمه: مهناز شایسته‌فر. تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.

منابع لاتین

- Allan, J. W. (1979). Persian metal technology 700-1300 AD. Oxford: Oxford Oriental Institute monographs, 2.
-Al-Saleh, Yasmine F. (2014). “Licit Magic”: The Touch and Sight of Islamic Talismanic Scrolls. for the degree of Doctor of Philosophy. Harvard University, Cambridge, Massachusetts.
-Faraj, A. H. & M. Moriggi. (2005). Two Incantation Bowls from the Iraq Museum (Baghdad). Orientalia. Vol. 74. 71-82.
-Gyselen, R. (1995). Sceaux Magiques en Iran Sassanide, Studia Iranica, Cahier 17, paris.
- Hunter, Erica C.D. (2000). Two Incantation Bowls from Babylon. Iraq. Vol. 62. 139-147.
-Isabel, Ch. (1975). Corpus of the Aramaic Incantation Bowls; Missoula, Mont, Society of Biblical Literature: distributed by Scholars Press.
-Levene, Dan (2002) Curse or blessing, what's in the magic bowl? Parkes Institute Pamphlet, No. 2. 48 PP.
-Martinez Borobio, Emiliano. (2003). A Magical Bowl in Judaeo-Aramaic. Revista sobre Oriente Próximo y Egipto en la antigüedad, Vol. 6. 323-335.
-Melikian-Chirvani, A. S., (1982). Islamic Metalwork from the Iranian World 8th-18th Centuries, Victoria and Albert Museum Catalogue. London: H.M.S.O.
-Moriggi, m. (2014). A Corpus of Syriac Incantation Bowls: Syraic Texts from Late antique Mesopotamia, Magical and Religious Literature of Late Antiquity. 3. Leiden: Brill.
-Nave, J. & Shaked, S. (1987). Amulets & Magic Bowls, Aramaic Incantation of Late Antiquity, Magness Press.
- Porter, Venetia, Liana Saif and Emilie Savage-Smith. (2017). Medieval Islamic Amulets, Talismans, and Magic. A Companion to Islamic Art and Architecture. Editor(s): Finbarr Barry Flood, Gülru Necipoğlu. New York: John Wiley & Sons, Inc.
-Saked, Sh. (2002). Jews, Christians & Pegans in the Aramaic Incantation Bowls of the Sassanian Period. Religions & Cultures: First International Conference of Mediterraneum. Binghamton: Global Publications–Binghamton University, 61–89
- Saked, Sh., James Nathan Ford & Siam Bhayro. (2013). Aramaic Bowl Spells: Jewish Babylonian Aramaic Bols, Vol. 1. Leiden- Boston: Kononklijke Brill.
- Yamauchi, E. M. (1967). Mandaic Incantation Texts, New Haven: American Oriental.
- Yamauchi, Edwin M. (1983). Magic in the Biblical World. Tyndale Bulletin. No. 34. 169-200.

منابع الکترونیکی

1- https://iranicaonline.org/articles/divination
2- https://www.brooklynmuseum.org/opencollection/objects/122270
3- https://www.christies.com/en/lot/lot-6099359
4- https://smarthistory.org/divination-bowl/
5- https://www.bonhams.com/auctions/24624/lot/37
6- https://www.christies.com/lot/lot-a-fine-safavid-tinned-copper-footed-bowl-5422430
7- https://www.bonhams.com/auctions/16776/lot/65/?category=list
8- https://www.bonhams.com/auctions/14033/lot/1453/
9- https://www.pinterest.com/pin/443604632052184309/
10- https://www.christies.com/en/lot/lot-4894001
11- https://www.christies.com/en/lot/lot-5671290
12- https://www.cgie.org.ir/fa/article/224783/